

نویسنده: ماتیو بلیک بورن «Mathew Blackburn».



منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2023-06-29»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل». [119]

خطرات کوری اروپا در برابر یک جنگ طولانی در اوکراین

The dangers of Europe's blindness to a long war in Ukraine

در حالی که رهبران غربی هنوز از پیروزی کامل در برابر روسیه صحبت می کنند،
خطر نادیده گرفتن واقعیتی تلخ را دارند که پایانی برای آن متصور نیست 29 ژوئن
2023 نوشته شده توسط ماتیو بلیک بورن سهام چاپ

*While Western leaders still talk of total victory against
Russia, they risk ignoring a grim reality with no end in sight.*



اعتبار تحریریه: فردریک لگراند-

برای بیش از 15 ماه، رهبران غربی اصرار داشتند که پیروزی اوکراین در ستاره‌ها نوشته شده است. به طور مداوم در مورد خطرات بالا یادآوری می‌شود: شکست اوکراین از روسیه تضمین اروپا برای آینده‌ای صلح‌آمیز و مرفه است. ولودیمیر زلنسکی مدعی است که اوکراین از قاره در برابر "ضد اروپایی‌ترین نیروی جهان مدرن" محافظت می‌کند. بر اساس تفسیر دوتایی غالب درگیری، جایگزین پیروزی اوکراین تسلیم زشت در برابر تجاوز روسیه است که اروپا را به عصر تاریک جدیدی می‌کشاند.

این بینش مانوی از حال و آینده با «خوش‌بینی جنگ» - اصرار بر اینکه روسیه در مسیر فروپاشی اقتصادی، سیاسی و نظامی قرار دارد، حفظ می‌شود. و آینده روشن خواهد آمد. اما اظهارات اخیر در G7 در توکیو و آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه در هلسینکی، تغییرات کمی را نشان می‌دهد: مذاکرات هنوز رد می‌شود، سلاح‌های بیشتری وعده داده می‌شود، و اطمینان‌هایی درباره پیروزی نهایی داده می‌شود. شورش اخیر نافرجام مزدور مزدور اوگنی پریگوژین، روایت روسیه را به عنوان یک کشور شکننده که به سختی آن را نگه داشته است، تقویت خواهد کرد.

در پشت صحنه اما باید نگرانی‌هایی وجود داشته باشد. روسیه از نظر اقتصادی شکسته نشده است، و با وجود همه سر و صدایی که پیرامون حادثه پریگوژین به وجود آمد، هیچ شکاف سیاسی جدی رخ نداد و رژیم همچنان پا برجا ماند. بسیج نسبی دفاع روسیه را تثبیت کرده و ارتش روسیه تاکتیک‌های ضد پهپاد، پیاده نظام و توپخانه خود را با موفقیت تطبیق داده است. در حالی که کشورهای **نا تو** در تلاش برای افزایش ظرفیت نظامی-صنعتی هستند، روسیه در تولید توپخانه مزیت خود را حفظ کرده است. گسترش موفقیت‌آمیز و سازماندهی مجدد ارتش روسیه بخشی از دلیل عدم نیاز به گروه واگنر پریگوژین است. ارتش منظم روسیه کاملاً قادر به مقابله با ضد حمله اوکراین بدون آنها بوده است.

اگر روسیه اکنون به اندازه کافی قوی باشد که بتواند در برابر اوکراین مورد حمایت **نا تو** مقاومت کند، اروپا با یک جنگ طولانی در جناح شرقی خود روبرو خواهد شد. دولت **بایدن** قول می‌دهد که در مدت زمان طولانی در راه است. ژنرال **مارک میلی**، رئیس ستاد مشترک ارتش، انتظار دارد "یک مبارزه بسیار خشنونت‌آمیز" که "مدت زمان قابل توجهی و با هزینه زیادی را می‌گیرد" در حالی که **بلینکن** ایده آتش‌بس را رد می‌کند، **ینس استولتنبرگ**، دبیرکل **نا تو**، اخیراً ضد حمله اوکراین را ابزاری برای تقویت موقعیت کیف در میز مذاکره توصیف کرد. با این حال، با توجه به فاصله زیاد بین مواضع هر دو طرف در زمینه قلمرو، بی‌طرفی و تضمین‌های امنیتی، به سختی می‌توان مبنای قابل قبولی برای صلح از طریق مذاکره دید.

نخبگان اروپا برای درک پیامدهای یک جنگ طولانی مدت در جناح شرقی خود با یک قدرت هسته‌ای بزرگ تلاش می‌کنند. در دو ماه گذشته برخی اختلافات در سیاست

خارجی آشکار شده است بر G7 ، اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، اتحادیه اروپا را با موضع تند دولت **با یدن** در قبال **چین** همسو کرد، در حالی که **امانوئل ماکرون**، رئیس‌جمهور فرانسه در برابر تلاش‌ها برای گسترش دسترسی **نا تو** به صحنه اقیانوس آرام مقاومت کرد. یک ماه قبل از این، **مکرون** زمانی که در جریان یک سفر دولتی به **پکن**، بود از اروپا خواست تا از جانبداری بر سر **تایوان** اجتناب کند و در عوض به دنبال «خود مختاری استراتژیک» به عنوان قدرت سوم در نظم جهانی چندقطبی جدید باشد، بسیار مورد تمسخر قرار گرفت .

با توجه به سوابق او در زمینه شکوفایی سخنوری و فرصت طلبی سیاسی، به راحتی می‌توان **مکرون** را کنار گذاشت یا این حال، اظهارات **مکرون** منعکس کننده یک خط فکری است که کوتاه مدت و سیاه و سفید نیست، بلکه استراتژیک و بلند مدت است . پیروزی سریع اوکراین، که بر روی تغییر سریع نظم فضای پس از شوروی به نفع اروپا شرط بندی شده بود، محقق نشد . اکنون، با ادامه‌ی جنگ به طور نامحدود، **سه تهدید جدی** برای «خود مختاری استراتژیک» آینده اروپا قابل مشاهده است .

اولی یک مشکل امنیتی سخت فوری و وجودی است . اگر نشست آتی **نا تو** در ماه جولای همانطور که انتظار می‌رود برگزار شود، تسلیحات و پول بیشتر، شاید حتی عضویت در **نا تو**، به اوکراین وعده داده خواهد شد . **نا تو** با احتیاط از آغاز جنگ همه جانبه با روسیه، سربازان و خلبانان خود را به اوکراین نمی‌فرستد و کیف را متکی به عرضه قطره ای تسلیحات پیشرفته تر می‌کند که برای یک حمله عمومی موفق کافی نیست .

اگر روندهای اخیر نشان دهنده باشد، کیف ممکن است به استفاده از تسلیحات **جدید ناتو** برای انجام پروازهای مخرب فزاینده در خاک روسیه متوسل شود . این امر می‌تواند روسیه را وادار کند تا با استفاده از تسلیحات دوربرد خود، خطوط تدارکاتی **نا تو** از لهستان و رومانی به اوکراین را متوقف کند . این رویداد بدیهی است که رهبران اروپایی را در موقعیت بسیار دشواری قرار می‌دهد: اگر **ناتو** به شهرت خود پاسخ ندهد ، به شدت زخمی خواهد شد . اگر این کار را انجام دهد، تشدید تنش می‌تواند موجودیت اروپا را تهدید کند، چه رسد به استقلال استراتژیک آن .

دومی یک مشکل امنیتی سخت میان مدت و بلند مدت است . این امر مدیریت تشدید و یک درگیری منجمد یا سناریوی "جنگ برای همیشه" را فرض می‌کند . در این صورت، اوکراین شبیه اسرائیل خواهد شد، یک کشور مسلح غرب که دائماً برای عملیات نظامی آماده است . روسیه که از اروپا جدا شده و قادر به شکست اوکراین یا توقف حملات آن نیست، می‌تواند رادیکال تر شود و به دنبال وادار کردن اروپا با جنگ نامتقارن باشد . چنین رویکردی منعکس کننده رویکرد **ایران** منزوی در خاورمیانه است، اما با توجه به وسعت، زرادخانه هسته ای و مشارکت روسیه با چین، این رویکرد بسیار متفاوت خواهد

بود. اروپا در یک دوراهی کلاسیک امنیتی گرفتار خواهد شد: افزایش کمک های نظامی به اوکراین با هدف تقویت امنیت اروپا که تنها منجر به نا امنی بیشتر می شود.

سومین تهدید اقتصادی است. از دست دادن انرژی ارزان از روسیه یک چالش جدی برای اروپا است و احتمالاً با وابستگی به LNG آمریکا و سرمایه گذاری طولانی مدت در انرژی سبز گران قیمت حل خواهد شد. این بدان معناست که قیمت بالای انرژی برای اروپا "عادی" جدید خواهد بود. در عین حال، در سناریوی «جنگ همیشگی» در اوکراین، آمریکایی ها به فشار دادن اروپا برای هزینه های بسیار بیشتر برای تولید نظامی ادامه می دهند. از نظر تجارت جهانی، اروپا با ایالات متحده روبرو خواهد شد. فشار برای جانبداری از واشنگتن در منازعات آینده با **چین** با حرکت آمریکا به سمت سیاست هایی که شبیه حمایت گرایی مانند قانون کاهش تورم است، اروپا حتی نمی تواند از دسترسی به بازارهای آمریکای شمالی مطمئن باشد.

در نهایت، اروپا نمی تواند انتظار داشته باشد که چیزی شبیه طرح مارشال به آن کمک کند تا با فشارها کنار بیاید. برعکس، انتظار می رود که کمک های هنگفتی به اوکراین، کشوری با مشکلات فساد چند سطحی مستند، کمک کند. ابعاد اقتصادی این تصویر نشان می دهد که قرارداد اجتماعی اروپا ناپایدار خواهد بود. همانطور که استانداردهای زندگی کاهش می یابد و اقتصاد منقبض می شود، رای دهندگان احتمالاً می پرسند مقصر کیست و چه باید کرد؟ رهبران اروپایی نمی توانند برای همیشه انگشت خود را به سمت پوتین نشانه گرفته بروند، که فضایی برای موج جدید پوپولیسم ایجاد می کند.

با نزدیک شدن به نشست سران **نا تو** در **ویلنیوس** در ماه آینده - و با وجود شکست اخیر در اطراف پریگوژین - انتظار هرگونه تغییر جدی در جنگ در اوکراین غیرواقعی است. به نظر می رسد اروپا راهی برای خروج ندارد. کنترل سیاست را در دست ندارد و با رویدادهای غیرقابل کنترل به جلو هدایت می شود. فرار از احتمالات تاریک در میان مدت تا درازمدت نیازمند دولتمردی مسئولانه و رهبری مصمم در حال حاضر است. در کوتاه مدت، رهبران اروپا باید از تسلیم شدن در برابر تب جنگ و فرافکنی سرخوشانه پیروزی دست بردارند. زمان آن فرا رسیده است که اروپا به جای اینکه کورکورانه به سوی آینده ای پر از بی ثباتی، جنگ همیشگی، زوال و ناتوانی حرکت کند، پیامدهای جنگ طولانی در اوکراین را به طور جدی مورد ارزیابی قرار دهد.

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

من تز دکترای خود را در مورد گفتمان های ملی گرایانه و ملت خیالی در روسیه پس از شوروی در دانشگاه گلاسکو در ژوئن 2018 به پایان رساندم و در اکتبر سال بعد یک موقعیت فوق دکترای را در IRES گرفتم پژوهش کنونی

من از رویکردی از پابین به بالا استفاده می‌کنم تا بررسی کنم که چگونه بازنمایی‌های غالب هویت ملی روسیه در گفتمان دولتی پدیدار می‌شود و چگونه این موضوع با سطح خرد تجربه زیسته در دوره کنونی مقایسه می‌شود.

در حال حاضر مشغول کار بر روی یک تک‌نگاری با عنوان ملت خیالی در روسیه معاصر: میراث شوروی، گفتارهای ملی‌گرایانه و چرخش تمدنی هستم بر اساس تحلیل طولی گفتمان دولتی (2012-2020) و بیش از 150 مصاحبه نیمه ساختاریافته با مردم عادی روس در چهار شهر، این مونوگراف بررسی می‌کند که چگونه گروه‌های مختلف با پیشینه‌های اجتماعی مختلف چارچوب‌های متفاوتی از «هنجار بودن» را هنگام فکر کردن به ملت روسیه اتخاذ می‌کنند. گذشته «عادی» روسیه چیست، دولت «عادی» چیست، روابط بین قومی «عادی» چگونه کار می‌کند، یک قدرت بزرگ «عادی» چیست؟ در کتابم، من آشکار می‌کنم که چگونه برخی از گفتمان‌های مسلط بر ملت در سطح مردم عادی در روسیه شهری «اجتماعی» می‌شوند، فرآیندی که در تعیین موضع‌های وفاداری، بی‌تفاوتی یا مخالفت با وضعیت موجود در کشور اهمیت اساسی دارد.

----- **با تقدیم احترامات «2023-06-29»**



ماتیوبلیک بورن